

ثلاثة الأصول وأدلتها (للحرمين
والجمعية)
اصول سه گانه و دلايل آن

اصول سه گانه و دلایل آن

شیخ محمد التیمی رحمه الله

اصول سه گانه و دلایل آن

شیخ محمد التیمی رحمه الله

بسم الله الرحمن الرحيم

بدان - الله رحمتت کند - که ما باید چهار مسأله را یاد بگیریم:
نخست: علم، که آن عبارت از شناخت الله متعال، و شناخت
پیامبرش - صلی الله علیه وسلم، و شناخت دین اسلام با دلایلش می
باشد.

دوم: عمل نمودن به آن.

سوم: دعوت کردن بسوی آن.

چهارم: شکیبایی در برابر ادیتی که در آن است.

و دلیل بر آن، این فرموده الله متعال است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

﴿وَالْعَصْرِ ۱ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۚ ۲ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ۝۳﴾

﴿وَالْعَصْرِ ۱﴾

قسم به زمانه.

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۚ

که البته انسان در زیان است.

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا
بِالصَّبْرِ ۝۳﴾

به جز آنانی که ایمان آوردند و اعمال نیک انجام دادند و یکدیگر را به حق توصیه کردند، و یکدیگر را به صبر (در راه حق) توصیه کردند. [العصر: 1-3].

امام شافعی رحمه الله تعالی گفته است: «اگر الله متعال جز این سوره حجت بر مخلوق خود نازل نمی کرد، برایشان کافی بود». و بخاری رحمه الله تعالی گفته است: باب: علم و آموختن قبل از گفتار و کردار است؛ دلیل این فرموده الله (متعال): ﴿پس بدان که نیست هیچ معبود برحق جز الله و برای گناهات آمرزش بخواه...﴾ [محمد: 9]، بنابراین، قبل از گفتن و عمل باید به علم آغاز نمود. بدانید - الله بر شما رحم کند - که هر زن و مرد مسلمان باید این سه مسایل را بیاموزد و به آن عمل کند:

اول: الله متعال ما را آفرید و بما روزی داد و ما را بیهوده نگذاشت، بلکه برای ما رسول فرستاد، هر که از او اطاعت کند وارد بهشت می شود، و هر که نافرمانی او را کند وارد جهنم می شود. و دلیل بر آن، این فرموده الله متعال است:

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا ۖ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخَذًا وَبَيْلًا ۖ﴾

(البته ما پیامبری را که بر شما گواه است به سوی شما فرستادیم، چنانکه به سوی فرعون پیامبری فرستادیم ۱۵ پس فرعون از (آن) رسول نافرمانی کرد (لذا) او را به سزای سخت گرفتیم ۱۶) [المزمل: 15-16].

دوم: الله متعال راضی نمی شود از این که کسی با او در عبادت شریک قرار داده شود، نه فرشته مقرب و نه پیامبر فرستاده شده؛ و دلیل آن، این فرموده الله متعال است:

﴿وَأَنَّ الْمُسْلِجَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ۖ﴾

و اینکه مساجد خاص برای عبادت الله است، پس کسی دیگر را با الله بخوانید (۱۸) [الجن: 18].

سوم: هر کس از رسول اطاعت کند و الله را یگانه بیندارد، جواز ندارد با کسی که با الله و رسولش مخالفت می کند دوستی کند، هر چند نزدیکترین نزدیکان باشد.

و دلیل آن، این فرموده الله متعال است:

﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (22)

(گروهی را که به الله و روز قیامت ایمان می آورند نخواهی یافت با کسی که با الله و پیامبرش مخالفت ورزیده است دوستی کنند هرچند پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا خویشاوندانشان باشند. ایشانند که (الله) در دلهایشان ایمان را نوشته است و آنان را به روحی از سوی خود تأیید نموده است و آنان را به باغهایی در می آورد که از زیر (قصرها و درختان) آنها نهرها روان است و جاودانه در آنجا می مانند. الله از آنان راضی است و آنان (نیز) از او راضی اند. ایشان حزب الله هستند. آگاه باشید! که تنها حزب الله رستگار می باشند (۲۲) [المجادلة: 22].

بدان - الله شما را به اطاعت خود ارشاد فرماید - که حنیفیت دین ابراهیم است، و او این که فقط الله را با دین خالصانه بپرستید، و به آن الله متعال همه مردم را امر نمود و آنان را برای آن آفرید، چنانکه الله متعال فرموده است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (56)

(و من جن و انس را نیافریدم مگر برای آنکه مرا عبادت کنند)
(الذاریات: 56) و معنی "يَعْبُدُونِ" یگانه پنداشتن است.
و بزرگترین چیزی که الله متعال به آن دستور داده توحید است،
که آن یگانه پنداشتن الله در عبادت است.
و بزرگترین چیزی که از آن نهی نموده است: شرک می باشد، و آن:
فراخواندن غیر او به همراه او می باشد.
و دلیل بر آن، این فرموده الله متعال است:

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا...﴾

(و الله را عبادت کنید و با او چیزی را شریک نسازید...) [النساء: 36].

اگر به شما گفته شود: اصول سه گانه که انسان آن را باید بداند چیست؟
پس بگو: شناخت بنده از پروردگارش، و دینش، و پیامبرش محمد صلی الله علیه وسلم می باشد.

[اصل اول]

اگر به تو گفته شود: پروردگارت کیست؟
پس بگو: پروردگارم الله است که مرا و همه جهانیان را با نعمت
های خود پروراند، و مرا معبودی جز او نیست؛ و دلیل آن این فرموده
الله متعال است:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (2)

(تمامی سپاس و ستایش‌ها مخصوص ذاتی است که پروردگار تمام جهانیان است ۲) [الفاتحة: 2]. و غیر از الله همه عالمند، و من یکی از آن عالم هستم.

اگر به تو گفته شود: پروردگارت را از کجا شناختی؟
پس بگو: به نشانه‌ها و مخلوقاتش.

از نشانه‌های او: شب و روز، خورشید و ماه است.
و از مخلوقات او: آسمان‌های هفت گانه و آنهایی که در آن هستند، و زمین‌های هفت گانه و آنهایی که در آن هستند، و آنچه میان آنهاست.

و دلیل بر آن، این فرموده الله متعال است:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ (37)

(از علامات قدرت او شب و روز و آفتاب و ماه است، پس برای آفتاب و ماه سجده نکنید، بلکه برای پروردگاری که آنها را آفریده است سجده کنید، اگر واقعا تنها او را عبادت می‌کنید ۳۷) [فصلت: 37].
و قول او تعالی است:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُعْشِي اللَّيْلَ النَّهَارُ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ (54)

(یقیناً پروردگار شما الله است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش قرار گرفت، شب را به روز می‌پوشاند که به شتاب روز را می‌طلبد و آفتاب و ماه و ستارگان در فرمان او مسخر هستند. آگاه باشید! که آفرینش و فرمانروایی تنها برای الله است. الله بزرگوار

و نهایت بزرگ و با برکت است، (چون او) پروردگار جهانیان است (۵۴)
سوره اعراف آیه: 54

رب و پروردگار آن است که عبادت می شود؛ و دلیل آن این قول او
تعالی است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ 21
الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ
بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ 22﴾

(ای مردم! پروردگارتان را عبادت کنید که شما و کسانی را که پیش
از شما بودند آفریده است، تا پرهیزگار شوید ۲۱)

آن ذاتی که زمین را برایتان فرشی و آسمان را سقفی قرار داد و از
آسمان آب فرود آورد و با وسیله آن انواع میوه‌ها را بیرون آورد تا برای
تان روزی باشد، پس برای الله شریکانی مقرر نکنید در حالیکه شما
میدانید (که الله شریک ندارد ۲۲). [البقرة: 21-22].

ابن کثیر رحمه الله تعالی می فرماید: "«آفریدگار این همه چیزها
ذاتیست که شایسته پرستش است»".

اقسام عبادات که الله متعال به آن دستور داده است: - مانند:
اسلام، ایمان، احسان؛ و از آن جمله: دعا، خوف، امید، توکل، رغبت،
رهبت، خشوع، ترس، توبه، استعانت، استعاذه، استغاثه، ذبح، نذر،
و غیره عبادات که الله متعال به آن دستور داده است - همه آنها
مخصوص الله متعال است؛ و دلیل: فرموده الله متعال است:

﴿وَأَنَّ الْمُسْلِمْ إِذَا دَعَا إِلَى اللَّهِ فَلا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا 18﴾

(و اینکه مساجد خاص برای عبادت الله است، پس کسی دیگر را
با الله بخوانید ۱۸) [الجن: 18].

هر که یکی از آن عبادت ها را به غیر الله اختصاص دهد مشرک و کافر است؛ و دلیل آن این فرموده الله متعال است:

﴿وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ﴾ (117)

(و هر کس با الله معبود دیگری را بخواند که هیچ دلیلی بر حقانیت آن ندارد. پس حساب او تنها با الله است. یقیناً کافران رستگار نمی شوند ۱۱۷) [المؤمنون: 117].

و در حدیث: "دعا مغز عبادت است".

و دلیل بر آن، این فرموده الله متعال است:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ (60)

(و پروردگارتان می فرماید: مرا به دعا بخوانید تا (دعای) شما را اجابت کنم، بی گمان آنانکه از عبادت من تکبر می ورزند، به زودی با خواری و ذلت وارد دوزخ می شوند ۶۰) [غافر: 60].

و دلیل خوف، این فرموده الله متعال است:

﴿...فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

(...پس از آنها مترسید، و از من بترسید، اگر مؤمن هستید) [آل عمران: 175].

و دلیل رجاء، این فرموده الله متعال است:

﴿...فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾

(... پس هرکس که به دیدار پروردگار خود امید دارد، پس باید کار شایسته کند و در عبادت پروردگار خویش کسی را شریک نسازد) [الکھف: 110].

و دلیل توکل، این فرمودهٔ الله متعال است:

﴿...وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

(... بر الله توکل کنید، اگر مؤمن هستید) [المائدة: 23]، و این فرموده او تعالی:

﴿...وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ...﴾

(... و کسی که بر الله توکل کند او برایش کافی است...) [الطلاق: 3].

و دلیل بیم، امید و فروتنی؛ این قول الله متعال است:

﴿...إِنَّهُمْ كَانُوا يُسِرُّونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خُشْعِينَ﴾

(... البته آنان در (انجام) کارهای خیر شتاب می کردند و با امید و بیم ما را می خواندند و برای ما فروتن بودند) [الأنبياء: 90].

و دلیل خشیت، این فرمودهٔ الله متعال است:

﴿...فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ...﴾

(... پس از آنها نترسید، و از من (از الله) بترسید...) [المائدة: 3].

و دلیل انابه، این فرمودهٔ الله متعال است:

﴿وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلُمُوا لَهُ...﴾

(... و به سوی پروردگار خود رجوع کنید و تسلیم او شوید...) [الزمر: 54].

و دلیل استعانت این قول الله متعال است:

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ 5

(پس ای الله! تنها) تو را عبادت می کنیم و (در کارهای خود) تنها از تو کمک می خواهیم) (سوره فاتحه: ۵). و در حدیث: "اگر یاری می جویی از الله یاری بجو".

و دلیل استعاذه، این فرموده الله متعال است:

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ 1

(ای پیامبر!) بگو: پناه می برم به پروردگار صبح (سپیده دم ۱).
[الفلق: 1]، و

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ 1

(ای پیامبر!) بگو: پناه می برم به پروردگار مردم ۱). [الناس: 1].
و دلیل استغاثه، این فرموده الله متعال است:

﴿إِذْ نَسْتَعِثُّونَ رَبَّكُمْ فَأَسْتَجَابَ لَكُمْ...﴾

(یاد آور شوید وقت که از پروردگارتان یاری خواستید، پس دعای شما را قبول کرد...) [الأنفال: 9].

و دلیل ذبح - قربانی-؛ این قول الله متعال است:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ 162 لَا شَرِيكَ لَهُ...﴾

(بگو: یقیناً نماز من و عبادت من و زندگی من و مرگ من، همه برای الله؛ پروردگار جهانیان است ۱۶۲)

هیچ شریکی برای او نیست...) [الأنعام: 162، 163]، و از سنت: "الله لعنت کسی را که برای غیر الله ذبح نماید".

و دلیل نذر، این قول الله متعال است:

﴿يُوفُونَ بِالْأَنذَرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا﴾ 7

(علامت آن بندگان الله این است که) به نذرهای خود وفا می کنند
و از روزی می ترسند که شرش عام و گسترده است (۷) [الإنسان: 7].

[اصل دوم]

شناخت دین اسلام با دلایل، و آن عبارت است از: تسلیم شدن
برای الله متعال در توحید، و گردن نهادن برای الله متعال در اطاعت،
و بیزاری از شرک و اهل آن.

و او دارای سه مراتب می باشد: اسلام، ایمان، و احسان.
و هر مرتبه دارای ارکان می باشد.

پس ارکان اسلام پنج است: گواهی به اینکه معبود بر حق جز الله
نیست و محمد رسول الله است، اقامه نماز، پرداخت زکات، روزه
رمضان، و حج بیت الله الحرام.

پس دلیل گواهی؛ این فرموده الله متعال است:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (18)

(الله گواهی داد (به وسیله دلائل تکوینی و تشریعی) بر اینکه هیچ
معبودی بر حق جز او تعالی نیست و (نیز گواهی داده اند) فرشته ها و
صاحبان علم (بر توحید او تعالی) در حالی که الله (مدبر امور
مخلوقات) به عدل و انصاف است (پس) هیچ معبودی برحق جز او
تعالی نیست، غالب (و) با حکمت است (۱۸) [آل عمران: 18].

معنایش این که: جز الله معبود بر حق نیست.

"لا إله" نفی هر چیزی که غیر از الله عبادت می شود.

"إلا الله" اثبات عبادت برای الله یگانه.

در عبادت خود شریکی ندارد، همان گونه که در ملک خود شریکی
ندارد.

و تفسیری که آن را واضح می‌سازد، این قول الله متعال است:

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ 26 إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي..﴾

(و یادآور شو چون ابراهیم به پدر و قومش گفت: من از آنچه شما می‌پرستید بیزارم ۲۶

به جز آن معبودی که مرا آفریده است..) [الزخرف: 26: 27]، و قول او تعالی :

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ 64﴾

(بگو: ای اهل کتاب بیایید به‌سوی سخنی که بین ما و شما مشترک است (آن سخن این است) که غیر از الله کسی را عبادت نکنیم، و چیزی را شریک او نسازیم، و بعض ما بعض دیگر را بجز الله، رب (مالک تحریم و تحلیل) قرار ندهد، پس اگر (ازین دعوت) رویگردان شدند پس (ای اهل کتاب) گواه باشید که ما مسلمانییم (منقاد حکم الله هستیم و بس) ۶۴). [آل عمران: 64].

و دلیل گواهی دادن این که محمد رسول الله است؛ این قول متعال است:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ 128﴾

(البته برای شما پیامبری از خودتان آمده است. رنج و مصیبتی که به شما برسد بر او دشوار است، به شما حریص است و نسبت به مؤمنان مشفق (و) مهربان است ۱۲۸). [التوبة: 128].

معنای گواهی این که محمد رسول الله است: پیروی وی در آنچه امر کرده است، تصدیق وی در آنچه خبر داده است، اجتناب از آنچه سرزنش و نهی کرده است، و الله (متعال) عبادت نشود بجز به گونه که شرع نموده است.

و دلیل نماز و زکات و تفسیر و معنی توحید این فرموده الله متعال است:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ ٥﴾

(حال آن که مأمور نبودند مگر این که الله را خالصانه عبادت کنند که برای او دین و عبادت خود را خالص سازند، و متنفر از دین‌های باطل باشند، و نماز را برپا کنند و زکات بدهند، و این است دین راست و درست). (البینه: ۵)

و دلیل روزه: این قول الله متعال است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ 183﴾

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما فرض شده است طوریکه فرض شده بود بر آنانکه پیش از شما بودند، تا پرهیزگار شوید) [البقرة: 183].

و دلیل حج؛ این قول الله متعال است:

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ٩٧﴾

(و الله حج خانه کعبه را بر مردمانی که توانایی رفتن به آنجا را دارند واجب گردانیده است) (توان رسیدن به آن جا از لحاظ مالی و جانی و وسائل راه را داشته باشند) و هر کس کفر بورزد (حج و دیگر احکام

الله را انکار کند، ضرر و نقصانی بر او تعالی نیست) زیرا او تعالی بدون شک از تمام جهانیان بی نیاز است (۹۷) [آل عمران: ۹۷].

مرتبۀ ای دوم: ایمان است؛ و آن: هفتاد و چند شاخه است، که بالاترین آن گفتن: لا اله الا الله است، و پایین ترین آن دور کردن چیزی از اذیت کننده از راه است، و حیا شاخه ای از ایمان است. و ارکان آن شش می باشد، اینکه به الله متعال، و ملائکه های وی، و کتاب های وی، و فرستادگان وی، و روز آخرت، و تقدیر خیر و شر ایمان داشته باشید.

و دلیل بر این ارکان شش گانه این قول الله متعال است:

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ...﴾

(نیکی (تنها) این نیست که روی خود را به طرف مشرق و یا به طرف مغرب بگردانید، لیکن نیکی این است که به الله و روز قیامت و فرشتگان و کتاب های الله و پیامبران ایمان آورد...) [البقرة: ۱۷۷].
و دلیل قدر، این فرمودۀ الله متعال است:

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾

(ما هر چیز را به اندازه معین آفریده ایم (۴۹) [القمر: ۴۹].

مرتبۀ سوم: احسان - یک رکن است-، و آن این است که الله متعال را چنان عبادت کنی که گویا او را می بینی، و اگر او را نمی بینی، او تو را می بیند.

و دلیل بر آن، این فرمودۀ الله متعال است:

﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾

(بی تردید، الله با پرهیزگاران است و با کسانی که آنها نیکوکاراند [النحل: ۱۲۸].

و قول او تعالى است:

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ 217 الَّذِي يَرِنُكَ حِينَ تَقُومُ 218 وَتَقْلُبُكَ فِي السُّجُودِ 219﴾

و بر توانای مهربان توکل کن ۲۱۷

آن ذاتی که چون (برای نماز شب) می ایستی، تو را می بیند ۲۱۸
و (همچنین می بیند) حرکت (قیام و رکوع و نشست و برخاست)
تو را در میان سجده کنندگان (۲۱۹) [الشعراء: 219-217].

و قول او تعالى است:

﴿وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ...﴾

(و نمی باشی (تو ای انسان) در هیچ حالتی و تلاوت نمی کنی هیچ
آیه ای از قرآن را و هیچ کاری نمی کنید مگر اینکه ما بر شما گواهیم
وقت به آن کار شروع می کنید...) [یونس: 61] الآية.

و دلیل از سنت: حدیث معروف جبرئیل علیه السلام است، از
عمر رضی الله عنه روایت است که فرمود: یک روزی نزد رسول الله
ﷺ نشسته بودیم، ناگهان مردی با لباس بسیار سفید، موهای بسیار
سیاه بر ما ظاهر شد، هیچ اثری از سفر بر او دیده نمی شد، و هیچ
یک از ما او را نمی شناخت، تا اینکه نزد پیامبر ﷺ نشست، و زانوی
خود را بر زانوهایش گذاشت، و کف دست خود را بر ران های خود
گذاشت، و گفت: ای محمد!

برایم از اسلام خبر بده؟

پس رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «اسلام این است که
گواهی دهی که هیچ معبود بر حق جز الله نیست و اینکه محمد
فرستاده الله است، و نماز را برپا نمایی، و زکات را ادا نمایی، و ماه رمضان

را روزه بگیری، و اگر توانایی رفتن به ادای حج خانه الله را داشتی آن را به جا آوری»، گفت: راست گفتی - پس ما از او تعجب کردیم که از وی می پرسد و او را تصدیق می کند -.

گفت: پس از ایمان به من بگو؟
فرمودند: اینکه به الله و فرشتگانش و کتاب هایش و رسولانش و روز آخرت ایمان بیاوری، و به قدر - خیر و شرش - ایمان داشته باشی.
گفت: راست گفتی.

گفت: پس مرا از احسان آگاه ساز؟
فرمودند: الله را چنان عبادت کن که گویا او را می بینی و اگر او را نمی بینی، او تو را می بیند.

گفت: پس از قیامت برایم خبر دهید؟
گفت: سؤال شونده در مورد آن، آگاه تر از سؤال کننده نیست.
گفت: پس از نشانه های آن برایم خبر دهید؟
فرمودند: اینکه کنیز ارباب خود را بزاید، و اینکه پابرهنگان، برهنگان، تنگدستان و چوپانان گوسفند را ببینی که در ساختن ساختمان های بلند با یکدیگر رقابت می کنند.

گفت: سپس رفت و مدتی درنگ کردم، سپس به من فرمودند: «ای عمر! آیا می دانی سوال کننده چه کسی بود؟» گفتم: الله و رسولش داناترند، فرمودند: «او جبرئیل بود، آمد تا دین شما را به شما بیاموزد».

[اصل سوم]

شناخت پیامبران محمد ﷺ، و او محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم است، و هاشم از قریش، و قریش از عرب است، و عرب از اولاد اسماعیل بن ابراهیم خلیل -علیه و علی نبینا افضل الصلاة والسلام- است.

وی شصت و سه سال عمر داشت - که چهل سال آن قبل از نبوت، و بیست و سه سال پیامبر و رسول بود. با (اقرأ) به پیامبری رسید، و با (المدرثر) به رسالت فرستاده شد، و شهر او مکه است.

الله متعال او را برای هوشدار از شرک و دعوت به توحید فرستاد؛ و دلیل آن، این فرموده الله متعال است:

﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ۝ ۱ قُمْ فَأَنْذِرْ ۝ ۲ وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ۝ ۳ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ ۝ ۴ وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ۝ ۵ وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ ۝ ۶ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ۝ ۷﴾

(ای جامه بر خود کشیده ۱
برخیز و (مردم را از عذاب الله) بترسان ۲
و پروردگارت را به بزرگی یاد کن ۳
و لباس هایت را پاکیزه دار ۴
و از پلیدی دوری کن ۵
و بخشش مکن تا بیش از آن بخواهی ۶
و برای (رضایت) پروردگارت صبر کن ۷) [المدرثر: ۱- ۷].
و معنی

﴿قُمْ فَأَنْذِرْ﴾:

(برخیز و (مردم را از عذاب الله) بترسان): از شرک هشدار می دهد،
و به توحید دعوت می کند.

﴿وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ﴾

(و پروردگارت را به بزرگی یاد کن)
یعنی: او را به توحید بزرگ بشمار.

﴿وَتِيَابَكَ فَطَهِّرْ﴾

(و لباس‌هایت را پاکیزه دار)

یعنی: اعمال خود را از شرک پاک کن.

(وَالرُّجْزَ فَأَهْجِرْ)

(و از پلیدی دوری کن)

الرُّجْز: بت‌ها است. و هجر آنها: ترک کردن آنهاست، و بیزاری از آن و اهل آن.

در این راستا ده سال به دعوت توحید پرداخت، و پس از ده سال به آسمان بلند برده شد، و نمازهای پنجگانه بر او فرض گردید، سه سال در مکه نماز خواند، و پس از آن به هجرت به مدینه منوره دستور داده شد.

و معنی هجرت: انتقال از سرزمین شرک به سرزمین اسلام.
هجرت بر این امت از سرزمین شرک به سرزمین اسلام فرض بوده، و تا برپایی قیامت باقی می باشد.
و دلیل بر آن، این فرموده الله متعال است:

(إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْنَاهُمْ لَمْ يَكُنْ لَهُ ظَالِمٌ أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَسِعَةً فَهَاجِرُوا فِيهَا قَالُوا لَيْسَ بِكَ مَوْلَاهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا 97 إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا 98)

(البته آنان که فرشته‌ها ارواح‌شان را قبض می کنند در حالی که (به سبب ترک هجرت) به جانهای خویش ظلم کردند، قبض کنندگان ارواح به آنها می گویند: شما در چه حال بودید؟ (در جواب) گفتند: ما در زمین ضعیف بودیم، (فرشته‌ها) گویند: آیا زمین الله وسیع نبود تا در آن هجرت کنید؟، پس این گروه مسکن‌شان دوزخ است، و (دوزخ) چه بد سرانجامی است ۹۷)

مگر مستضعفان واقعی، از مردان و زنان و کودکان که هیچ چاره (ووسیله) ندارند و هیچ راهی (برای هجرت) نمی‌یابند (۹۸) [النساء: 97-98].

و قول او تعالی است:

﴿يَعْبَادِي الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَسِعَةٌ فَإِنِّي فَاعْبُدُونِ﴾ (56)

ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! یقیناً زمین من فراخ است، پس تنها مرا عبادت کنید (۵۶) [العنکبوت: 56].

بغوی رحمه الله فرمود: "سبب نزول این آیه: در مورد مسلمانانی بود که در مکه بودند و هجرت نکردند، الله متعال آنها را به نام ایمان خواند".

و دلیل به هجرت از حدیث؛ این قول اوست: "هجرت متوقف نمی‌شود تا این که توبه متوقف شود، و توبه متوقف نمی‌شود تا این که خورشید از مغرب طلوع کند".

زمانی که در مدینه اقامت گزیدند، به وی دستور داده شد که به بقیه احکام اسلام از قبیل: زکات، روزه، حج، اذان، جهاد، امر به معروف، و نهی از منکر عمل کند، ده سال در آن سپری نمودند. و وی صلی الله علیه وسلم از دنیا رحلت نمودند، و دین وی باقی است، و این دین وی است که هیچ خیری نیست مگر این که امتش را به سوی آن راهنمایی کرده، و هیچ شری نیست مگر این که از آن برحذر داشته است.

خیری که او به آن راهنمایی نموده: توحید، و هر چه را که الله دوست دارد و از آن راضی است.

و شری که از آن برحذر نموده: شرک، و هر چیزی را که الله آن را نمی‌پسندد و نمی‌خواهد.

الله متعال او را بسوی همه مردم فرستاد، و اطاعت او را بر ثقلین (جن و انس) فرض گردانید؛ و دلیل این فرموده الله متعال است:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا...﴾

(ای پیامبر!) بگو: ای مردم (جهان)، من فرستاده الله به سوی همه شما هستم...) [الأعراف: 158]

و الله متعال به وسیله او دین را کامل کرد؛ بدلیل این قول او تعالی:
﴿...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾

(... امروز دین تان را به شما کامل کردم، و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را برای شما (به عنوان) دین پسندیدم...) [المائدة: 3].

و دلیل بر وفات او این قول الله متعال است:

﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ 30 ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ 31﴾
(ای پیامبر) بدون شک تو خواهی مرد و آنان (نیز) مُردنی هستند
۳۰.

باز شما روز قیامت نزد پروردگارتان مخاصمه خواهید کرد (۳۱)
[الزمر: 30-31].

و چون مردم بمیرند برانگیخته می شوند؛ بدلیل این قول الله متعال:

﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى 55﴾

(از این زمین شما را آفریدیم و در این زمین شما را باز می گردانیم و از آن بار دیگر شما را بیرون (زنده) می کنیم ۵۵) [طه: 55]. و این قول او تعالی:

﴿وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ۚ ۱۷ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ۚ﴾

و الله شما را از زمین (مانند گیاه) رویانید (آفرید) ۱۷
باز شما را به زمین باز می گرداند و (باز) شما را (از زمین) بیرون
می آورد (۱۸) [نوح: ۱۷-۱۸].

و پس از برانگیخته شدن بازخواست می شوند و به پاداش
اعمالشان می رسند؛ و دلیل آن این فرموده الله متعال است:

﴿...لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى﴾
(... تا کسانی را که بدی کرده اند به (سزای) آنچه کرده اند جزا دهد
و تا نیکوکاران را به بهترین وجه پاداش دهد) [النجم: ۳۱].
و هر که برانگیخته شدن پس از مرگ را تکذیب کند کافر می شود؛
بدلیل این فرموده الله متعال:

﴿زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ
وَذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾

(کافران گمان کردند که دوباره زنده نخواهند شد، بگو: بلی! قسم
به پروردگارم! به یقین دوباره زنده خواهید شد باز از آن چه می کردید
به شما خبر خواهد داد و این کار برای الله آسان است) [التغابن: ۷].
الله متعال همه پیامبران را مژده دهنده و بیم دهنده فرستاد؛ و
دلیل آن فرموده الله متعال است:

﴿رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ...﴾
(پیامبرانی را (فرستادیم) که مژده دهنده و بیم دهنده بودند، تا بعد
از آمدن پیامبران برای مردم در برابر الله دلیلی (یعنی بهانه ای)
نباشد...) [النساء: ۱۶۵].

و اولین آنان نوح علیه السلام است.

و آخرین آنان محمد صلی الله علیه وسلم است، و او خاتم پیامبران است، پس از او پیامبری نیست؛ و دلیل آن فرموده الله متعال است:

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ...﴾

(محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست بلکه فرستاده الله و خاتم پیامبران است...) [الأحزاب: 40].

و دلیل این که اول آنان نوح علیه السلام بود این قول الله متعال است:

﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ...﴾

(ای محمد) البته ما به تو وحی فرستادیم طوری که به نوح و پیامبرانی که بعد از او بودند، وحی فرستادیم... [النساء: 163].

الله متعال برای هر امتی - از نوح تا محمد علیهم السلام - پیامبری فرستاد، به آنان دستور داد که تنها الله را پرستند، و آنان را از پرستش طاغوت نهی کرد؛ و دلیل آن این فرموده الله تعالی است:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...﴾

(و به یقین ما در میان هر امتی پیامبری را فرستادیم (تا به مردم بگویند): الله را پرستید و از طاغوت اجتناب ورزید...) [النحل: 36].

الله متعال بر همه بندگان خود کفر به طاغوت، و ایمان به الله را فرض گردانیده است.

ابن القیم - رحمه الله تعالی - می فرماید: "معنای طاغوت: آنچه بنده به وسیله آن از حد خود فراتر رود - اعم از معبود، یا متبوع، و یا مطاع".

طاغوتان بسیارند، و سران آنها پنج تن اند: ابلیس - لعنت الله بر او باد-، و کسی که پرستش شود و او راضی باشد، و کسی که مردم را به

عبادت خود فرا بخواند، و کسی که ادعای چیزی از علم غیب کند، و کسی که به غیر آنچه الله نازل کرده است حکم کند.
و دلیل بر آن، این فرموده الله متعال است:

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (256)

(در قبول کردن دین اسلام) اجباری نیست (چون) به راستی که هدایت از گمراهی جدا شده است، پس هر کس که به طاغوت کفر ورزد، و به الله ایمان بیاورد، به راستی که به دستاویز محکمی چنگ زده است که قطع شدنی نیست، و الله شنوای داناست (به اقوال و افعال مردم ۲۵۶). [البقرة: 256]، و این معنای "لا إله إلا الله" است، و در حدیث آمده است: "اساس دین: اسلام است، و ستونش: نماز است، و عالی ترین بخش آن: جهاد در راه الله است".
الله بهتری می داند.

فهرست

2	 اصول سه گانه و دلایل آن
2	 اصول سه گانه و دلایل آن
5	 [اصل اول]
11	 [اصل دوم]
16	 [اصل سوم]